

نقش میانجیگر دشواری تنظیم هیجانی در ارتباط خود محوری با پرخاشگری و ارتباط استرس با افسردگی

ندامت^۱، صغری ابراهیمی قوام^۲، مسعود غلامعلی لوانسانی^۳، اسماعیل سعدی پور^۴

^۱ دکترای روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

^۳ دانشیار، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۴ استاد، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

ندا ملت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۸

چکیده

دشواری در تنظیم هیجانی بعنوان یک مکانیسم پایه در شیوع و ماندگاری پرخاشگری و افسردگی مطرح است. بنابراین هدف اصلی از این پژوهش بررسی نقش میانجیگر دشواری تنظیم هیجانی در ارتباط خود محوری با پرخاشگری و ارتباط استرس با افسردگی است. جامعه آماری این پژوهش بزرگسالان (۲۰-۶۰ سال) شهر اصفهان بودند و ۷۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. مقیاس‌های مورد استفاده در این پژوهش عبارت‌اند از: پرسش‌نامه پرخاشگری (BPAQ-SF)، چک لیست نشانه‌های اختلالات روانی (SCL 90)، مقیاس دشواری در تنظیم هیجانی (DERS)، خرده مقیاس خودمحوری ماکیاولی (PPIR)، پرسشنامه افسردگی، اضطراب و استرس (DASS-21). طرح پژوهش طرح توصیفی - همبستگی است. به منظور تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری و روش بوت استرپ و تحلیل واریانس استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که خود محوری بر دشواری در تنظیم هیجانی و پرخاشگری اثر مستقیم دارد. استرس بر دشواری در تنظیم هیجانی و افسردگی اثر مستقیم دارد. دشواری در تنظیم هیجانی نیز بر پرخاشگری و افسردگی اثر مستقیم دارد. نتایج تحلیل میانجی نشان داد دشواری در تنظیم هیجانی بین استرس و افسردگی نقش میانجی ایفا می‌کند. یافته‌های این مطالعه نقش دشواری در تنظیم هیجانی و فقر آن بعنوان عوامل خطر در شیوع و ماندگاری افسردگی و پرخاشگری برجسته می‌کند.

واژگان کلیدی: خود محوری ماکیاولی، استرس، افسردگی، پرخاشگری، دشواری در تنظیم هیجانی.

مقدمه

در دنیای پیچیده امروز افسردگی و پرخاشگری گسترش بیشتری یافته است و هزینه های بسیار زیادی در سطح فردی و اجتماعی به همراه آورده است، از این رو شناسایی عوامل خطر و مکانیزم های مشترک برای مداخلات پیشگیرانه و درمانی آنها ضرورت بیشتری یافته است. تحقیقات گذشته نشانگر این است که دشواری در تنظیم هیجانی با دو بخش اختلالات درونی سازی (افسردگی و اضطراب) (منین و همکاران^۱، ۲۰۰۷، کونتاردی و همکاران^۲، ۲۰۱۶) و مشکلات بیرونی سازی (پرخاشگری) در شرایط بالینی و غیر بالینی مرتبط هستند (بووی^۳، ۲۰۱۰، مک لوقلین و همکاران^۴، ۲۰۱۱، روبرتن دافرن، بوکس^۵، ۲۰۱۵).

همچنین مطالعه ویژگی های شخصیت ضد اجتماعی در چند سال اخیر به ویژه ویژگی های غیر بالینی ضد اجتماعی و ماکیاولی توجه زیادی را به خود جلب کرده است (لی و اشتون، ۲۰۰۵) و بررسی خودمحوری ماکیاولی بعنوان یکی از عوامل موثر بردشواری در تنظیم هیجان و پرخاشگری اهمیت بیشتری پیدا کرده است. بنابراین خودمحوری باید به عنوان یک عامل خطر شناخته شود که می تواند به افزایش پاسخ خشونت آمیز کمک کند. البته تنها خودمحوری نمی تواند تفکرات خصمانه را توضیح دهد بلکه ناتوانی در مقابله با عواطف منفی مانند نگرانی نیز ممکن است مهم باشد. بنابراین، افرادی که در تنظیم عواطف منفی مشکل دارند، ممکن است رنجشان را به شرایط یا رویدادهای بیرونی یا حتی به یک فرد خاص در محیطشان نسبت دهند (گاروفالو و همکاران^۶، ۲۰۱۵). بنابراین بررسی نقش نگرانی در پرخاشگری و افسردگی ضروری است. همچنین ویرایش پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-5) نشان می دهد که نقص در تنظیم هیجانی بعنوان یک عامل خطر در ۵۲٪ اختلالات محور I و ۱۰۰٪ اختلالات محور II مطرح است. فرض بر این است که دشواری در تنظیم هیجانی، مکانیسم پایه اختلالات خلقی است. دشواری در تنظیم هیجانی بعنوان روش های ناسازگارانه پاسخ به هیجانات تعریف شده است که شامل بروز مشکلاتی در آگاهی، درک و پذیرش هیجانها، فقدان دسترسی به راهبردهای انطباقی در مواجهه با هیجانهای مختلف و ناتوانی در کنترل رفتار هنگام مواجهه با انگیزشهای شدید هیجانی است. ناتوانی در تنظیم هیجانی در شرایط تحریک باعث می شود فرد با اتکا به فضای احساسی صرف نظر از راه حل های عقلانی تصمیم گیری کند. (گرتز و رومر^۷، ۲۰۰۴).

یافته های مطالعات پیشین نشان داده است که دشواری در تنظیم هیجانی، میانجی ارتباط بین تجربه استرس با پرخاشگری است (هرتز^۸ و همکاران، ۲۰۱۲) و توانایی تنظیم هیجانات بر کنترل خشم و پرخاشگری تاثیر زیادی می گذارد (علیجان زاده و همکاران، ۲۰۱۴، گراوند منشی و همکاران، ۱۳۹۴). پرخاشگری به عنوان رفتاری که با هدف آسیب رساندن فیزیکی یا کلامی به دیگران صورت می گیرد تعریف شده است (مایرز^۹، ۲۰۱۰). خصوصیت به عنوان یک ساختار چند بعدی شامل بعد شناختی (افکار منفی، بدبینی یا خشم)، بعد عملی (احساسات منفی، و عصبانیت) و بعد رفتاری (خشونت کلامی و فیزیکی) است (گارسیا لئون و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۲). نقش دشواری در تنظیم هیجانی به عنوان پیش بین پرخاشگری در سال های اخیر توجه زیادی کارهای بالینی داشته است (بووی، ۲۰۱۰، مک موران و هوارد^{۱۱}، ۲۰۰۹؛ روبرتون و همکاران، ۲۰۱۲، اسکریپ کاوسکیت و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۵، اسکات و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۵). افراد پرخاشگر اطلاعاتی را که در هنگام تعامل دریافت می کنند نادرست تفسیر می کنند و از آنجایی که مهارت های تنظیم هیجانی مناسب را ندارند، با اعمال رفتارهای تهاجمی واکنش نشان می دهند. مطالعات گذشته نشان می دهد که دشواری در انجام رفتار هدفمند و راهبردهای تنظیم هیجانی محدود با پرخاشگری در جوانان ارتباط دارد (گاروفالو و همکاران، ۲۰۱۵). و دشواری در بازداری از رفتار تکانشی هنگام ناراحتی با خشم مزمن و پرخاشگری مرتبط است (ولوتی

¹ - Mennin² - Contardi³ - Bowie⁴ - McLaughlin⁵ - Robertson, Daffern, & Bucks⁶ - Garofalo⁷ - Gratz & Roemer⁸ - Herts⁹ - Myers¹⁰ - GarciaLeon¹¹ - McMurran, M., & Howard¹² - Skripkauskaitė¹³ - Scott

و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۵، چامورو و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۲). افرادی که از نظر تنظیم هیجان مشکل دارند مناقشه و درگیری بیشتری با دیگران دارند (لوپس و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۱). رفتار تکانشی در هنگام استرس، پرخاشگری و خشونت فیزیکی را پیش بینی می کند و دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی پیش بینی کننده خصومت است. (بیکر^{۱۷}، ۲۰۱۶، کوتاردی و همکاران، ۲۰۱۶). البته در خصوص علل پرخاشگری نظریه های مختلفی وجود دارد. نظریات دیگر، این فرض را نیز مطرح می کنند که پرخاشگری نوعی "دفاع از خود" است و خود محوری رابطه قوی با پرخاشگری دارد. خودمحوری ماکیاولی به معنای قرار دادن علایق یا نگرانی های خود در برابر خواسته های دیگران است. رفتار فردی در صورتی خودمحورانه است، که منافع شخصی خود را نسبت به دیگران بیش از اندازه ترجیح دهد و جاه طلبانه باشد. خود محوری ماکیاولیایی نشانگر راهبردهای بین فردی است که از کنترل گری، فریب، تقلب و بهره کشی استفاده می کند (سارمن^{۱۸} و همکاران، ۲۰۱۶). درواقع به نظر می رسد مردان خشن احساس برتری شخصی را تجربه می کنند و خشونت آنها به علت غرور جریحه دار شده است و هنگامی که شخص دیگری آنها را زیر سوال می برد یا دید مطلوب آنها از خودشان را مورد انتقاد قرار دهد، احساس تهدید می کنند و با توجه به وجود تکانش وری و دشواری در تنظیم هیجاناتشان با پرخاشگری رفتار می کنند (لی و اشتون^{۱۹}، ۲۰۱۴). خودمحوری ماکیاولی به عنوان یکی از صفات تاریک شخصیت^{۲۰} (خودشیفتگی، ماکیاولیسم و پسیکوپاتی) ارتباط قوی با خشونت دارد (جاکوبویتز و ایگن^{۲۱}، ۲۰۰۶). به بیانی، احساس استحقاق و بهره کشی موجود در خود محوری ماکیاولی با پرخاشگری مرتبط است (بامیستر، اسمارت و بودن، ۱۹۹۶). یکی از پیامدهای خود محوری این احساس است که تجارب من بی نظیر است و دیگران آن را درک نمی کنند. اعتقاد به بی نظیر بودن خود برخی از رفتارهای پرخاشگرانه را توجیه می کند (باری، پیکارد و انسل^{۲۲}، ۲۰۰۹). درواقع افراد با صفات تاریک شخصیت مانند خود محوری ماکیاولی با دشواری هایی در تنظیم هیجانات منفی روبرو هستند (وای و تیلو پلوس^{۲۳}، ۲۰۱۲، امیری و جمالی، ۲۰۱۹). البته تنها خودمحوری ماکیاولی نمی تواند دشواریهای در تنظیم هیجانی را توضیح دهد بلکه ناتوانی در مقابله با عواطف منفی مانند استرس نیز ممکن است مهم باشد.

تجربه زیاد استرس در دوران اولیه زندگی ممکن است به دشواری در تنظیم هیجانی منجر شود، زیرا ممکن است در رشد مهارتهای تنظیم هیجانی سازگارانه وقفه ایجاد کند (تامپسون و گودمن^{۲۴}، ۲۰۱۰). نقص در تنظیم هیجانی معمولاً در اضطراب فراگیر و افسردگی اساسی رخ می دهد (مینین و فرسکو^{۲۵}، ۲۰۱۳، اتکین و همکاران^{۲۶}، ۲۰۱۰، ونتا، شارپ و هارت^{۲۷}، ۲۰۱۲). در مدل گراس^{۲۸} (۲۰۰۱) نیز ظرفیت تنظیم هیجانی به عنوان واسطه تنظیم استرس پیشنهاد شده است. دراین مدل، قرار گرفتن در معرض استرس منجر به دشواری در تنظیم هیجانی می شود که به نوبه خود موجب پیامدهای منفی روانی و فیزیولوژیکی می شود (مانند افسردگی). بنابراین کنترل تکانه در هنگام نگرانی و استرس برای کسانی که در تنظیم هیجانات منفی مشکل دارند، بدتر می شود (تیس، براتسلاوسکی و بامیستر^{۲۹}، ۲۰۰۱). نتایج مطالعات پیشین نشان داده است که نگرانی و استرس با دشواری در تنظیم هیجانی رابطه معنادار دارد (لیانگ و وست^{۳۰}، ۲۰۱۱، اتکین و همکاران، ۲۰۱۰، مینین و فرسکو، ۲۰۱۳). افراد مبتلا به افسردگی درگیر یک یا چند نوع از پردازش خود ارجاعی منفی از جمله استرس و نگرانی به عنوان راهی برای برخورد با پیدایش تجارب شدید

14 - Velotti

15 - Chamorro

16 - Lopes

17 - Baker

18 -- Sörman

19 - Lee & Ashton

20 - Dark Triad Personality

21 - Jacobowitz, S., & Egan

22 - Barry, Pickard

23 - Wai & Tiliopoulos

24 - Thompson and Goodman

25 - Mennin & Fresco

26 - Etkin

27 - Venta, , Hart, & Sharp

28 - Gross

29 - Tice, Bratslavsky, & Baumeister

30 - Liang & West

عاطفی هستند (منین و فرسکو، ۲۰۱۳، رنا، کوینترو، فرسکو و منین^{۳۱}، ۲۰۱۷). استرس در حال حاضر به عنوان یک نشانه تشخیصی با اهمیت بالینی در نظر گرفته می شود (کرتز و همکاران، ۲۰۱۲). این نتایج بیانگر این است اختلال در فرایند تنظیم هیجانی سازگاران به مواجهه مستمر با وقایع استرس زای زندگی مرتبط است و نشان دهنده یک مکانیسم واسطه ای در ارتباط بین استرس و افسردگی است.

در واقع با توجه به ماهیت عود کننده افسردگی، این فرضیه مطرح است که دشواری در تنظیم هیجانی یک عامل آسیب پذیری برای شروع و عود افسردگی است. چندین مطالعه جامع درباره ارتباط تنظیم هیجانی و اختلال افسردگی اساسی وجود دارد (آلدائو و همکاران^{۳۲}، ۲۰۱۰، ژورمن و استنتن^{۳۳}، ۲۰۱۶، لیو و تامپسون^{۳۴}، ۲۰۱۷، ویستد و همکاران^{۳۵}، ۲۰۱۸). در واقع، تحقیق در مورد راهبردهای تنظیم هیجانی به درک بهتر افسردگی کمک کرده است و در مدل های شناختی جدید افسردگی مورد تاکید است (گراس، ۲۰۰۱). نتایج یک فراتحلیل (آلدائو و همکاران، ۲۰۱۰) نشان داد که افسردگی به طور مثبت با راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه و بطور منفی با راهبردهای تنظیم هیجانی سازگارانه همبستگی داشته است. این مطالعات با استفاده از مقیاس های خود گزارش دهی و آزمایشات طبیعی در بین نمونه های بالینی و عادی انجام شده است.

علاوه بر این، یافته های مطالعات گذشته نشانگر این است که فیزیکی دیگر از عوامل موثر بر افسردگی و پرخاشگری است. بصورتی که افراد فقیر در مقایسه با اقشار ثروتمند جامعه ۱/۵ تا ۳ برابر بیشتر دچار اختلالات روانشناختی از جمله افسردگی، اضطراب و پرخاشگری می شوند (کریک و همکاران^{۳۶}، ۲۰۱۰، یوشیکاوا و همکاران^{۳۷}، ۲۰۱۲). البته پرخاشگری تحت تاثیر تفاوت های سنی و جنسی نیز می باشد، زیرا مطالعات مربوط به شیوع پرخاشگری نشان می دهد که افراد جوان بیشتر احتمال دارد که درگیر رفتار پرخاشگرانه و جرایم مربوط به خشونت بشوند (ایزوکانا و همکاران^{۳۸}، ۲۰۱۴، میکولاسکوا و آدامکویک^{۳۹}، ۲۰۱۸).

مدل مفهومی

با توجه به اینکه یافته های تحقیقات پیشین بیانگر نقش دشواریهای در تنظیم هیجانی در ایجاد پرخاشگری و افسردگی است اما تاکنون، مطالعات اندکی به بررسی نقش واسطه ای دشواری در تنظیم هیجانی در ارتباط بین خودمحوری و پرخاشگری و استرس و افسردگی در ایران پرداخته اند. از این رو در این هدف از این مطالعه، بررسی نقش واسطه ای دشواریهای در تنظیم هیجانی در ایجاد و تداوم افسردگی و پرخاشگری بود. با توجه به این که تحقیقات با نمونه های غیر بالینی نشان می دهد که شواهدی برای وجود نمودهای متنوعی از صفات ضد اجتماعی در جمعیت عادی وجود دارد (لی و اشتون، ۲۰۱۴، ولوتی و گاروفالو، ۲۰۱۵) ولی به مطالعه نقص های عاطفی مشترک در ایجاد افسردگی و گرایش به پرخاشگری در نمونه های غیر بالینی و در سنین مختلف کمتر توجه شده است از این رو مطالعه آن ضرورت می یابد. بنابراین فرض می کنیم خودمحوری بر دشواری تنظیم هیجانی و پرخاشگری اثر مستقیم دارد. استرس نیز بر دشواری در تنظیم هیجانی و افسردگی اثر مستقیم دارد. دشواری در تنظیم هیجانی بر افسردگی و پرخاشگری اثر مستقیم دارد. بنابراین دشواری در تنظیم در ارتباط بین استرس و افسردگی و ارتباط بین خودمحوری و پرخاشگری نقش واسطه ای دارد. فرض می شود افسردگی و پرخاشگری تفاوت معناداری در گروه های سنی و اقتصادی در بین زنان و مردان دارند.

³¹ - Renna, Quintero, Fresco, and Mennin

³² - Aldao

³³ - Joormann & Stanton

³⁴ - Liu and Thompson

³⁵ - Visted

³⁶ - Crick

³⁷ - Yoshikawa

³⁸ - Ezeokana

³⁹ - Mikulaskova, G. & Adamkovic

روش

با توجه به هدف اصلی تحقیق، روش پژوهش کمی با طرح توصیفی-همبستگی می باشد و جهت تحلیل آماری از مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار pls و تحلیل واریانس تک متغیره استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افرادی بود که در فاصله سنی جوانی تا سالمندی (۲۰ تا ۶۰) بودند و در شهر اصفهان سال ۱۳۹۶ ساکن بودند. در این پژوهش از نرم افزار قدرتمند تعیین حجم نمونه G POWER استفاده کردیم. حجم نمونه برای آزمون های مدل سازی معادلات ساختاری واریانس محور در توان آزمون ۰/۸۵ درصد تعدا ۶۷۵ نفر برآورد شده است. بنابراین با توجه به مساله افت آزمودنی حجم نمونه ۷۰۰ نفر در ۴ گروه سنی (۲۰ تا ۲۹، ۳۰ تا ۳۹، ۴۰ تا ۴۹، ۵۰ تا ۶۰ سال) بر گزیده شدند. شرکت کنندگان در تحقیق ۲۸۴ نفر در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال، ۲۰۶ نفر در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹، ۱۴۴ نفر در گروه سنی ۴۰ تا ۴۹، ۶۶ نفر نیز در گروه سنی ۵۰ تا ۶۰ هستند.

ابزارها

افسردگی: (SCL 90) چک لیست تجدید نظر شده نشانه های اختلالات روانی^{۴۰}، (دراگوئیس^{۴۱}، ۱۹۹۷) این آزمون یک فهرست علائم روانی خود گزارش دهی ۹۰ سؤالی است که به وسیله ی تحقیقات روانسنجی بالینی به وجود آمده است و در مقیاس لیکرت ۵ درجه ای نمره گذاری میشود. ۹۰ سؤال این آزمون برای ارزشیابی علائم روانی است که توسط آن می توان افراد سالم را از بیمار تشخیص داد. هر یک از سؤالات از صفر تا چهار میزان ناراحتی را نشان می دهد. مطالعات زیادی نیز پایایی و روایی مطلوب این آزمون را تأیید می کند در مطالعه اخوان و شعیری (۴۰) اعتبار خرده مقیاس افسردگی به روش بازآزمایی ۰/۸۰ و به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بدست آمد. در این تحقیق اعتبار خرده مقیاس افسردگی با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ بدست آمد. **پرخاشگری (BPAQ-SF^{۴۲})** فرم کوتاه پرسشنامه باس و پری (۱۹۹۲) شامل ۱۲ گویه است و توسط برایت و اسمیت^{۴۳} (۲۰۰۱) تهیه شده است. ساختار چهار عاملی دارد شامل (خصوصیت، خشم، پرخاشگری کلامی و فیزیکی). مقیاس ۵ درجه ای لیکرت دارد. در این مطالعه، ضریب آلفای خرده مقیاس ها به ترتیب (۰/۸۴، ۰/۸۲، ۰/۷۲، ۰/۷۸) بود و ضریب آلفا برای نمره کل پرخاشگری ۰/۸۸ بدست آمد.

مقیاس دشواری در تنظیم هیجانی (DERS)^{۴۴}: این پرسشنامه توسط گرتز ورومر (۲۰۰۴) ساخته شده است. این پرسشنامه یک شاخص خود گزارشی است که برای ارزیابی دشواری های موجود در تنظیم هیجانی به شکل جامع تری نسبت به ابزارهای موجود در این زمینه ساخته شده و دارای ۳۳ عبارت و ۶ خرده مقیاس است که عبارتند از: دشواری های دست زدن به رفتار هدفمند؛ دشواری های کنترل تکانه؛ دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی؛ عدم پذیرش پاسخ های هیجانی؛ فقدان آگاهی هیجانی، فقدان شفافیت هیجانی. در تحقیق حاضر از سه خرده مقیاس (دشواری های دست زدن به رفتار هدفمند؛ دشواری های کنترل تکانه؛ دسترسی محدود به راهبردهای تنظیم هیجانی) استفاده شد. گویه های این مقیاس بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت است. گرتز ورومر (۲۰۰۴)، اعتبار این پرسشنامه روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش کرده است. در پژوهش خانزاده (۲۰۱۲) اعتبار نسخه فارسی این مقیاس با روش آلفا در دامنه ۰/۶۶ تا ۰/۸۸ بود. در این تحقیق آلفای کرونباخ نمره کل دشواری در تنظیم هیجانی ۰/۹۰ بدست آمد.

مقیاس خود محوری: خود محوری ماکیاولی نشانگر افرادی است که بخاطر اهداف شخصی از دیگران بهره برداری می کنند و فریب می دهند، مشغولیت بیش از حد به اهداف شخصی خودشان دارند، کاری برای دیگران انجام نمی دهند مگر بدانند سودی برایشان دارد و دروغگو هستند. در این تحقیق از خرده مقیاس خود محوری ماکیاولی^{۴۵} استفاده شد. از پرسشنامه تجدید نظر شده

⁴⁰ - Symptom Checklist-90-Revised

⁴¹ - Derogatis

⁴² - BUSS & Perry Aggression questionnaire

⁴³ - Bryant & Smith

⁴⁴ - Difficulties in Emotion Regulation Scale

⁴⁵ - Machiavellian Egocentricity

اختلالات شخصیت ضد اجتماعی (PPI R)^{۴۶} استفاده شده است (سارمن و همکاران، ۲۰۱۶). این پرسشنامه دارای ۱۵۴ سوال در ۸ خرده مقیاس چهار درجه ای لیکرت (۱-۴) است و قابل استفاده برای افراد عادی و مجرم می باشد. خرده مقیاس خودمحموری شامل ۱۰ سوال است. در مطالعه (سارمن و همکاران، ۲۰۱۶) اعتبار آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ بدست آمد. در این تحقیق پایایی خرده مقیاس خود محوری ماکیاولی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ بدست آمد.

پرسشنامه افسردگی واضطراب واسترس: (DASS-21)^{۴۷} توسط لایبوند و لایبوند^{۴۸} (۱۹۹۵) ساخته شد. در این تحقیق از خرده مقیاس استرس استفاده می کنیم که شامل ۷ سوال است. استرس یا نگرانی به معنای فشار روانی ناشی از مشکلات روزمره است که توانایی فرد را مختل می کند. از افراد خواسته می شود حالات خود را در هفته گذشته توصیف کنند. در مطالعات گذشته ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شده است (آنتونی و بیلینگ^{۴۹}، ۱۹۹۸). در نسخه ی فارسی، پایایی بازآزمایی استرس ۰/۷۷ و آلفای کرونباخ ۰/۷۸ گزارش شده است (سامانی و جوکار، ۲۰۰۶). در این تحقیق آلفای کرونباخ استرس ۰/۸۰ بدست آمد.

یافته ها

جدول ۱. همبستگی و آمار توصیفی متغیرها

۵	۴	۳	۲	۱	
۰/۳۴	۰/۵۷	۰/۳۵	۰/۲۳		۱. خودمحموری
۰/۵۸	۰/۴۱	۰/۵۶			۲. استرس
۰/۵۱	۰/۵۲				۳. دشواری تنظیم هیجانی
۰/۵۶					۴. پرخاشگری
					۵. افسردگی
۲/۳۸	۲/۱۷	۲/۶۷	۱/۳۳	۲/۱۱	میانگین
۰/۸۲	۰/۷۵	۰/۶۶	۰/۶۳	۰/۵۹	انحراف معیار

جدول ۲. معیارهای کلی کیفیت مدل اندازه گیری

متغیرها	آلفا	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراجی	روایی اشتراکی	روایی افزونگی	R ² ضریب تعیین
	α	CR	AVE	Cv com	CV RED	
خود محوری	۰/۸۴	۰/۸۷	۰/۵۸	۰/۳۴	-	-
استرس	۰/۸۰	۰/۸۳	۰/۵۵	۰/۳۵	-	-
دشواری تنظیم	۰/۹۰	۰/۸۷	۰/۵۴	۰/۳۴	۰/۱۹	۰/۳۸
پرخاشگری	۰/۸۸	۰/۸۸	۰/۵۲	۰/۳۴	۰/۲۳	۰/۴۴
افسردگی	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۵۸	۰/۳۹	۰/۲۴	۰/۳۹

آزمون کیفیت مدل اندازه گیری:

براساس برای بررسی کیفیت مدل اندازه گیری از شاخص روایی متقاطع اشتراکی^{۵۰} (Cv com) بهره می بریم. هیر و همکارانش^{۵۱} (۲۰۱۳) سه مقدار ۰/۰۲ به عنوان مقدار ضعیف، ۰/۱۵ متوسط و ۰/۳۵ قوی در نظر گرفته اند. این مدل اندازه گیری

^{۴۶} - Psychopathic Personality Inventory-Revised

^{۴۷} - Depression Anxiety and Stress Scale

^{۴۸} - Lovibond

^{۴۹} - Antony and Bieling

^{۵۰} - cross-validated commonality

^{۵۱} - Hair

دارای کیفیت بالایی می باشد. زیرا مقادیر CV COM بیش از ۰/۳۵ قوی است. برای آزمون پایایی مدل اندازه گیری چهارشاخص ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی^{۵۲} (CR) و همبستگی درونی اسپیرمن شاخص ها (RHO_A) محاسبه شد. برای محاسبه پایایی ترکیبی، شاخص ها با بار عاملی بیشتر، اهمیت زیادتری دارند. از این رو مقادیر پایایی ترکیبی، معیار واقعی تر و دقیق تری نسبت به آلفای کرونباخ است. بر اساس معیارهونسر (۴۸) مقادیر بارهای عاملی باید بزرگتر از ۰/۷ باشد، با توجه به مقادیر عاملی بالای ۰/۷، مدل تحلیل عاملی پژوهش کیفیت بسیار بالایی دارد و این مدل اندازه گیری نیز پایایی خوبی دارد. زیرا ضرایب بالای ۰/۸۰ است.

دومین معیار ارزیابی مدل اندازه گیری، بررسی روایی همگرا و واگرا است. هیر و همکارانش (۴۷) دو شرط را برای بررسی روایی همگرا بیان نمودند. شرط اول: $AVE > 0.5$ و شرط دوم: $CR > AVE$ است. AVE نشانگر میانگین واریانس به اشتراک گذارده شده بین هر سازه با شاخص های خود است. مقادیر بالای ۰/۵ کیفیت مدل اندازه گیری متغیرهای مکنون را نشان می دهند. براساس جدول ۱ شرط اول: $AVE > 0.5$ و شرط دوم: $CR > AVE$ پایایی ترکیبی بزرگتر از میانگین واریانس استخراجی است و روایی همگرایی مدل قابل قبول است.

آزمون فورنل و لارکر نیز روایی واگرایی متغیرهای مدل پژوهش را بررسی می کند. در این آزمون، برای سنجش روایی واگرا از ماتریس بارهای عاملی متقابل استفاده می کنند. همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می شود میزان همبستگی هر یک از سوالات تحقیق با متغیر متناظر مربوط به خود حداقل ۰/۱ بیش از میزان همبستگی آن شاخص با متغیرهای دیگر می باشد که نشان دهنده مناسب بودن روایی واگرایی مدل اندازه گیری می باشد.

جدول ۴. آزمون فورنل و لارکر برای روایی واگرا

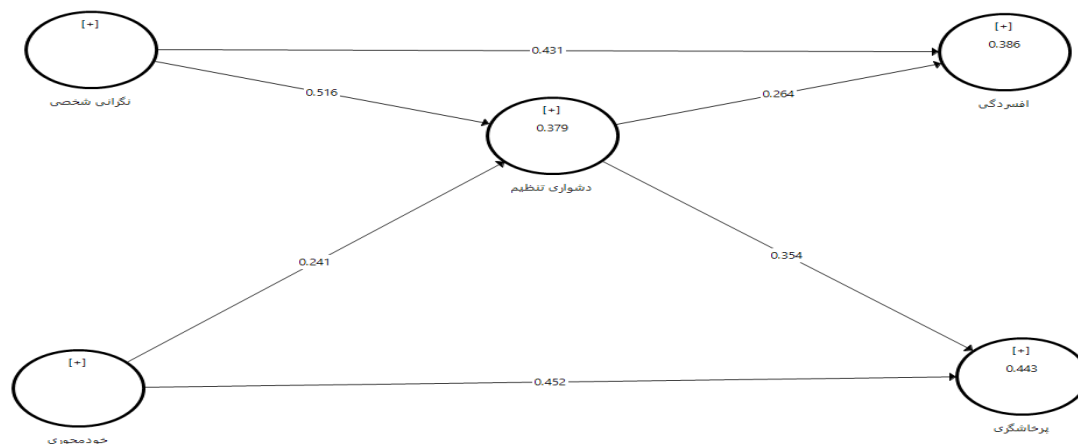
خودمحموری	استرس	دشواری تنظیم	ضعف معنوی	پرخاشگری	افسردگی
خودمحموری	۰/۷۶۱				
استرس	۰/۷۴۱				
دشواری تنظیم	۰/۳۵۷	۰/۷۳۵			
پرخاشگری	۰/۵۷۸	۰/۴۰۴	۰/۴۴۳	۰/۷۲۰	
افسردگی	۰/۳۴۱	۰/۵۸۳	۰/۴۱۷	۰/۵۶۴	۰/۷۶۱

آزمون کیفیت مدل ساختاری

معیارهای آزمون مدل ساختاری شامل آزمون معناداری ضرایب مسیر، ضرایب تعیین R^2 و شاخص ارتباط پیش بین (Q^2) مقادیر روایی متقاطع شاخص افزونگی CV RED^{۵۳} است. براساس مقادیر t بالای ۲/۵۸ (سطح اطمینان ۹۹ درصد) وسطوح معناداری ضرایب مسیر در جدول ۱، خود محوری بر دشواری در تنظیم (۰/۲۴) و پرخاشگری (۰/۴۵) اثر مستقیم معناداری دارد. استرس بر دشواری در تنظیم هیجانی (۰/۵۲) و افسردگی (۰/۴۳) اثر مستقیم معناداری دارد. دشواری در تنظیم هیجانی بر پرخاشگری (۰/۳۵) و افسردگی (۰/۲۶) اثر مستقیم معناداری دارد. متغیر درونزای دشواری در تنظیم توسط دو متغیر برونزای خود محوری و استرس با مقدار ضریب تعیین ۰/۳۸ در سطحی بالای متوسط مورد پیش بینی رفتار قرار گرفته است. همچنین پرخاشگری و افسردگی نیز با مقادیر ضریب تعیین نزدیک به ۰/۵۰ در سطحی بسیار بالاتر از متوسط مورد تبیین و پیش بینی واریانس واقع شده اند و این مقادیر بیانگر دقتی متوسط به بالا در تبیین تغییرات متغیرهای درونزای مدل هستند. نتایج CV RED شاخص افزونگی نشانگر مقدار تغییر پذیری شاخص های یک سازه درونزا است که از یک یا چند سازه برونزا تاثیر می پذیرد.

^{۵۲} - composite reliability

^{۵۳} - cross-validated redundancy index



شکل ۱. مدل اندازه گیری معادلات ساختاری با ضرایب استاندارد

جدول ۳- آزمون اثرات مستقیم مدل ساختاری با نرم افزار smart pls

آماره T	ضریب مسیر	آماره P	اثرات مستقیم
۷/۷۰۰	۰/۲۴۱	۰/۰۰۰	خود محوری بر دشواری در تنظیم هیجانی
۱۳/۳۶۷	۰/۴۵۲	۰/۰۰۰	خود محوری بر پرخاشگری
۱۶/۷۱۰	۰/۵۱۶	۰/۰۰۰	استرس بر دشواری در تنظیم هیجانی
۱۰/۳۰۰	۰/۴۳۱	۰/۰۰۰	استرس بر افسردگی
۱۰/۵۳۳	۰/۳۵۴	۰/۰۰۰	دشواری در تنظیم هیجانی بر پرخاشگری
۶/۳۶۸	۰/۲۶۴	۰/۰۰۰	دشواری در تنظیم هیجانی بر افسردگی

نتایج جدول ۲ شاخص افزونگی براساس معیار هنسeler و همکاران^{۵۴} (۲۰۰۹) نشان می دهد که کیفیت کلی مدل ساختاری برای متغیر درونزای دشواری تنظیم در سطحی متوسط قرار دارند. همچنین کیفیت کلی مدل ساختاری برای متغیرهای درونزای پرخاشگری و افسردگی در سطحی بین متوسط و قوی قرار دارند. با توجه به شاخص اشتراکی و ضرایب تعیین، کیفیت نهایی مدل کلی pls تحقیق از رابطه زیر محاسبه خواهد شد:

$$GoF = \sqrt{0.47} = 0.55^*$$

سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، ۰/۳۶ به ترتیب، به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای نیکویی برازش (GoF) معرفی شده اند (تننهاوس و همکاران^{۵۵}، ۲۰۱۳). با توجه به اینکه مقدار شاخص برازش بسیار بیشتر از مقدار ۰/۳۶ است می توان نتیجه گرفت که مدل کلی تحقیق براساس معیار تننهاوس و همکاران (۲۰۱۳) از کیفیت بسیار مناسبی برخوردار است. شاخص^{۵۶} (SRMR) با مقدار ۰/۰۷ نشان دهنده ی برازش مطلوب الگوی نهایی با داده ها است زیرا کوچکتر از ۰/۰۸ است. برای آزمون نقش واسطه ای دشواری در تنظیم هیجانی از شاخص^{۵۷} (VAF) شمول واریانس (نسبت اثر غیر مستقیم بر اثر کل) استفاده می شود. اگر، $0.20 < VAF < 0.80$ میانجی گری جزئی، و $VAF < 0.20$ باشد بدون اثر میانجی است. براساس رویکرد بوت استرپ^{۵۸} سوئل یکبار مدل را بدون حضور میانجی و بار دیگر با حضور متغیر میانجی اجرا کردیم. با توجه به مقدار شمول واریانس دشواری تنظیم

54 - Henseler

55 - Tenenhaus et al.

56 - Standardized Root Mean Square Residual

57 - variance accounted for

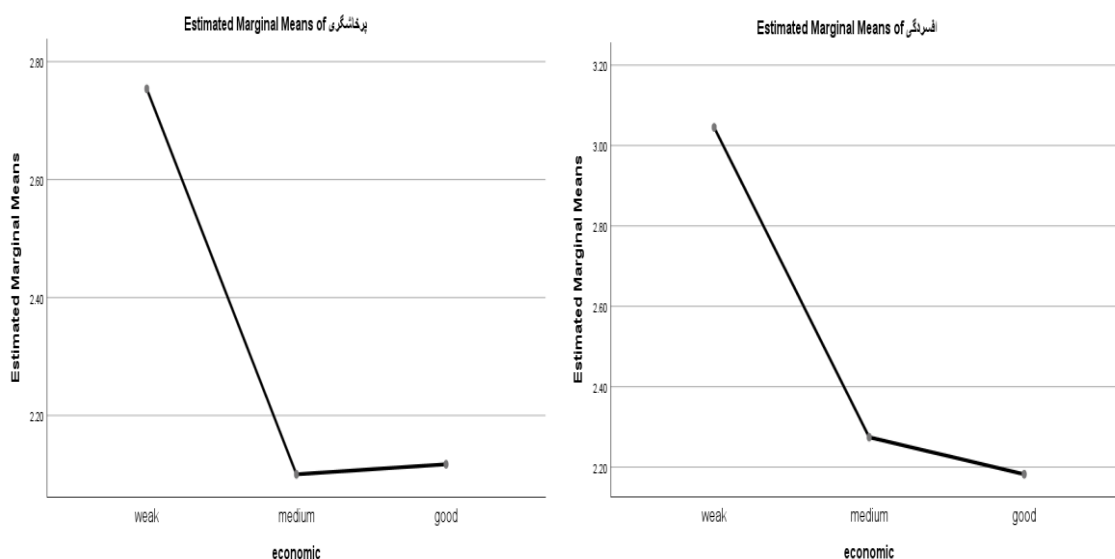
58 - Bootstrap

هیجانی یک میانجی جزئی برای دو متغیر استرس و افسردگی ($VAF=0/24$) است. اما با توجه به شاخص شمول واریانس ($VAF=0/15$) دشواری در تنظیم هیجانی خودمحوری و پرخاشگری نمی باشد.

جدول ۵. تحلیل واریانس اثرات گروه های جمعیت شناختی بر افسردگی و پرخاشگری

افسردگی	پر خاشگری	جنسیت	وضع اقتصادی	سن	سطح معنادار	میانگین مجذورات	مجنور ایثا	سطح معناداری	F (۱,۵۲۶)	جنسیت	مجنورات
۰/۵۶	۰/۰۲	۰/۲۴	۷/۵۲	۰/۲۸	۰/۶۹	۰/۴۸	۰/۰۰۲	۰/۵۲	۰/۴۱	۰/۲۴	۰/۲۴
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۸۵	۰/۱۸	۱/۶۳	۰/۰۱	۰/۰۰۰	۷/۲۱	۰/۲۴	۰/۲۴

همچنین برای تعیین تفاوت افسردگی و پرخاشگری در گروه های سنی ، اقتصادی و جنسی از آزمون تحلیل واریانس تک متغیره استفاده شد. نتایج آزمون لون برای افسردگی نشان داد که واریانس خطا همگن است. اثرات تعاملی سن، جنس و وضعیت اقتصادی بر افسردگی معنادار نبود. براساس نتایج جدول ۵، اما اثر اصلی وضعیت اقتصادی بر افسردگی معنادار بود. اندازه اثر مجذور ایثا ($\eta^2=0/056$) نشان دهنده اثر بزرگ بر اساس معیار کوهن است. نتایج مقایسه های زوجی نیز نشان داد که قشر فقیر از نظر افسردگی تفاوت معناداری با قشر متوسط و خوب جامعه دارند. همچنین نتایج تحلیل واریانس پرخاشگری بیانگر این بود که اثرات تعاملی متغیرها معنادار نبود بنابراین بررسی اثرات اصلی امکان پذیر بود. اثرات اصلی نشانگر این است که جنسیت و وضعیت اقتصادی اثر معناداری بر پرخاشگری دارند. مقایسه های زوجی نشان داد که مردان بیش از زنان دچار پرخاشگری هستند و افراد فقیر بیش از اقلشار متوسط و خوب دچار رفتار های پرخاشگرانه می شوند و در سنین ۵۰-۶۰ سال کمترین میزان افسردگی و پرخاشگری وجود دارد.



نمودار ۱- مقایسه افسردگی در وضعیت های اقتصادی مختلف نمودار ۲- مقایسه پرخاشگری در وضعیت های اقتصادی مختلف

بحث و نتیجه گیری

خود محوری بر پرخاشگری اثر مستقیم معناداری دارد. نقش علیت تحریک خود در برانگیختن پرخاشگری به وضوح توسط یافته های تجربی نشان داده شده است. هنگامی که افراد دیگر تصورات خودبزرگ بینانه آنها را زیرسوال می برند یا آنها را کوچک می کنند. پرخاشگری وسیله ایست برای دفاع و حمایت از احساس برتری و خود بزرگ بینی خود. این نتیجه گیری به نظر می رسد نشان می دهد که تمایل به درک جهان خارج به عنوان تهدید و خطر برای خود (باورها، ارزش ها، دارایی ها و هویت) سبب می شود که با خصومت پاسخ دهند.

براساس نتایج خود محوری بر دشواری در تنظیم اثر مستقیم معناداری دارد. این نتیجه گیری به نظر می رسد با نظریه های موجود (مثلاً باتمن، ۲۰۱۳) سازگار است و تأیید نقش ذهنیت معیوب به مثابه عامل احتمالی رفتار خشونت آمیز است. بر اساس این نظریه، دشواری در توانایی تفکر و تجدیدنظر در تجربیات درونی و احساسات و نگه داشتن موضع غیرقضوتی، می تواند توانایی مجرمان را برای تنظیم هیجانی قبل از غرق شدن در آن و رفتار خشونت آمیز کاهش دهد (ولوتی، گارفالو، ۲۰۱۵). افراد با صفات تاریک شخصیت مانند خود محوری ماکیاولی هنگام رنج کشیدن دیگران، ناراحتی هیجانی تجربه نمی کنند که این فقدان پاسخگویی هیجانی، زمینه ساز بهره کشی از دیگران می شود (وای وتیلو پلوس، ۲۰۱۲، امیری و جمالی، ۲۰۱۹).

یافته ها نشان داد که استرس بر دشواری در تنظیم اثر معناداری دارد. این نتیجه همسو با مطالعات قبلی است. آلدو و منین (۲۰۱۲) دریافتند افراد دارای اضطراب به جای استفاده از راهبردهای تنظیم هیجانی سازگار، به صورت مداوم از راهبردهای مقاومتی استفاده می کنند که ممکن است برای جبران یک حالت احساسی منفی مانند استرس بکار رود. کنترل تکانه در هنگام استرس برای کسانی که در تنظیم هیجانی مشکل دارند، دشوارتر می شود، (تیس و همکاران، ۲۰۰۱).

همچنین براساس نتایج پژوهش دشواری در تنظیم بر پرخاشگری اثر معناداری دارد. لهی و همکارانش^{۵۹} (۲۰۱۱) براهمیت مهارت های تنظیم هیجانی در درمان تاکید می کنند. به نظر او اگر افراد در مقابل با شرایط استرس زا نتوانند عواطف شدید را تنظیم کنند این دشواری در تنظیم باعث تشدید افراطی یا بازداری افراطی می شود که منجر به پرخاشگری، حمله یا فرار می شود. زیرا افرادی که در تنظیم عواطف منفی مشکل دارند، ممکن است رنجشان را به شرایط یا رویدادهای بیرونی یا حتی به یک فرد خاص در محیطشان نسبت دهند و دچار خشم شوند (بیکر، ۲۰۱۶). خشونت می تواند به عنوان وسیله ای برای پایان دادن به احساسات یا حالات هیجانی آزارنده یا آسیب رسانی که فرد پرخاشگر قادر به تنظیم آنها نیست عمل کند و با پرخاشگری، آشفتگی و ناراحتی خود را بر روی دیگران تخلیه و برون سازی کند (گاردنر و مور، ۲۰۰۸). در مطالعه بیکر (۲۰۱۶) دشواری در تنظیم هیجانی با پرخاشگری کلی و هر بعدی از پرخاشگری (فیزیکی، کلامی، خصومت و خشم) ارتباط داشت. دشواری در کنترل تکانه، خشم و پرخاشگری فیزیکی را پیش بینی می کرد. پرخاشگری کلامی توسط دسترسی محدود به راهبردها پیش بینی شده بود. در مطالعه لانگ و همکاران (۲۰۱۵) ویژگیهای خودمحوری تکانشی بواسطه دشواری در تنظیم هیجان بر پرخاشگری تکانشی اثر داشتند. همچنین براساس یافته ها دشواری در تنظیم هیجانی بر افسردگی اثر معناداری دارد. این نتیجه همسو با یافته های (آلدانو و همکاران، ۲۰۱۰، ژورمن و استنتن، ۲۰۱۶، لیو و تامپسون، ۲۰۱۷، ویستد و همکاران، ۲۰۱۸) است و نشان می دهد اختلال در فرایند تنظیم هیجانی سازگاران به استرس مرتبط است و دشواری در تنظیم هیجانی نقش واسطه ای در ارتباط بین استرس و افسردگی دارد.

همچنین یافته ها نشانگر اینست که استرس بر افسردگی اثر معناداری دارد. افراد مبتلا به اختلالات افسردگی بیشتر مستعد استفاده از پردازش خودارجاعی منفی مانند استرس هستند تا بتوانند از احساسات خود فرار کنند یا آنها را خنثی کنند و به بهای از دست دادن برداشت دقیق از پیام انگیزشی که منتقل می شود، تحت تاثیر واکنش های فوری رفتاری در پاسخ به احساسات خود قرار می گیرند. این احساس غلط از امنیت کوتاه مدت به قیمت به حداقل رساندن توجه به تجربه پاداش بالقوه بدست می آید

⁵⁹ - Leahy

⁶⁰ - Gardner, F. L., & Moore

(بوگدان و پیزاگالی^{۶۱}، ۲۰۰۶) که سبب گسترش و استمرار استرس می شود و ممکن است منجر به افسردگی و سایر اختلالات روانی شود.

همچنین با توجه به نتایج، فقر اثر معناداری بر ایجاد پرخاشگری و افسردگی دارد و افراد فقیر بیشتر از افراد دارای وضعیت اقتصادی متوسط و خوب در معرض پرخاشگری و افسردگی هستند. این یافته ها تایید کننده استدلال نظریه "ناکامی - پرخاشگری"^{۶۲} می باشد و همسو با یافته های قبلی (کریک و همکاران، ۲۰۱۰، یوشیکاوا و همکاران، ۲۰۱۲) درباره اثرات منفی مواجهه با مدت با فقر و محرومیت بر بهداشت روانی است، زیرا فقر سبب احساس ناکامی در دستیابی به اهداف مطلوب می شود که در نهایت سبب بروز رفتار پرخاشگرانه و خصومت می شود. همچنین فقر، سبب احساس درماندگی در تامین نیازها و بد بینی نسبت به زندگی می شود که خود این شناخت ها و عواطف منفی به نوبه خود سبب ایجاد و تداوم نشانه های افسردگی در اقشار فقیر می شود. این یافته ها نشانگر اهمیت حمایت اقتصادی بیشتر از قشر ضعیف اقتصادی برای پیشگیری و درمان افسردگی و کاهش خشونت است. همچنین یافته ها نشان داد که جوانان به طور قابل توجهی پیشگام پرخاشگری و تجاوز فیزیکی بودند و مردها بطور معنا داری بیش از زنان پرخاشگری می کنند، این یافته همسو با مطالعات قبلی است (بیکر، ۲۰۱۶، ایزوکانا و همکاران، ۲۰۱۴، میکولاسکوا و آدامکویک، ۲۰۱۸). در این مطالعه استرس و دشواری در تنظیم هیجانی ۳۹ درصد از تغییرات افسردگی را پیش بینی کردند. همچنین خودمحوری و دشواری در تنظیم هیجانی ۴۴ درصد از تغییرات پرخاشگری را پیش بینی کردند. بنابراین دشواری در تنظیم هیجانی و فقر عوامل خطر مشترک در گسترش و ماندگاری پرخاشگری و افسردگی هستند.

⁶¹ - Bogdan & Pizzagalli

⁶² - Frustration-Aggression Theory

منابع و مراجع

- [۱] اخوان عبیری، فاطمه، شعیری، محمدرضا. (۱۳۹۹). رواسازی و اعتباریابی سیاهه نشانه‌های بیماری (SCL-R-90) و پرسشنامه کوتاه نشانه‌های بیماری (BSI-53). روانشناسی بالینی و شخصیت، ۱۷(۲)، ۱۶۹-۱۹۵.
- [۲] امیری سهراب، جمالی یوسف (۱۳۹۸). بررسی نقش میانجی‌گری همدلی و تنظیم هیجانی در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی با صفات تاریک شخصیت در نوجوانان. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران؛ ۲۵ (۳): ۲۹۲-۳۰۷.
- [۳] سامانی، س و جوکار، ب. (۱۳۸۶). بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه مقیاس افسردگی، اضطراب و فشار روانی. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۳(۲۶)، ۶۵-۷۶.
- [۴] گراوند، پریوش؛ منشی، غلامرضا (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان و مهارت‌های اجتماعی بر پرخاشگری ارتباطی، آشکار و رفتار جامعه‌پسند نوجوانان پرخاشگر شهر خرم‌آباد. مجله مطالعات ناتوانی، ۱۹۰: ۱۹۹-۵.
- [۵] علیجانه‌زاده محمد، مکوندحسینی شاهرخ، کیان ارثی فرحناز، (۱۳۹۳). فصلنامه روانشناسی بالینی سمنان، سال ششم، ۳۳-۲۳، ۲۳(۳).
- [6] Aldao, A., & Mennin, D. S. (2012). Paradoxical cardiovascular effects of implementing adaptive emotion regulation strategies in generalized anxiety disorder. *Behaviour Research and Therapy*, 50, 122-130.
- [7] Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S., & Schweizer, S. (2010). Emotion-regulation strategies across psychopathology: a meta-analytic review. *Clinical psychology review*, 30, 217-237.
- [8] Antony, M. M., Bieling, P. J., Cox, B. J., Enns, M. W., & Swinson, R. P. (1998). Psychometric properties of the 42-item and 21-item versions of the Depression Anxiety Stress Scales in clinical groups and a community sample. *Psychological assessment*, 10(2), 176.
- [9] Baker, Jessica. M. (2016). Relations among dimensions of emotion regulation and aggressive behavior. *Master's Theses and Doctoral Dissertations*. 796.
- [10] Barry, C. T., Pickard, J. D., & Ansel, L. L. (2009). The associations of adolescent invulnerability and narcissism with problem behaviors. *Personality and Individual Differences*, 47(6), 577-582.
- [11] Baumeister, R. F., Smart, L., & Boden, J. M. (1996). Relation of threatened egotism to violence and aggression: The dark side of high self-esteem. *Psychological Review*, 103(1), 5.
- [12] Bogdan, R., & Pizzagalli, D. A. (2006). Acute stress reduces reward responsiveness: implications for depression. *Biological psychiatry*, 60(10), 1147-1154.
- [13] Borkovec, T. D., Alcaine, O., & Behar, E. W. E. L. Y. N. (2004). Avoidance theory of stress and generalized anxiety disorder, *Advances in research and practice*.
- [14] Bowie, B. H. (2010). Understanding the gender differences in pathways to social deviancy: Relational aggression and emotion regulation. *Archives of Psychiatric Nursing*, 24(1), 27-37.
- [15] Bryant, F. B., & Smith, B. D. (2001). Refining the architecture of aggression: A measurement model for the Buss-Perry aggression questionnaire. *Journal of Research in personality*, 35(2), 138-167.
- [16] Buss, A. H., & Perry, M. P. (1992). The aggression questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63(3), 452-459.
- [17] Chamorro, J., Bernardi, S., Potenza, M. N., Grant, J. E., Marsh, R., Wang, S., & Blanco, C. (2012). Impulsivity in the general population: A national study. *Journal of Psychiatric Research*, 46(8), 994-1001.

- [18] Crick, L., Breen, A. Flisher, A. J. Kakuma, R. Corrigall, J., Joska, J. A. Swartz, L. and Patel, V.)2010. ("Poverty and common mental disorders in low and middle income countries: A systematic review,"Soc. Sci. Med., 71(3), 517-528.
- [19] Cohen J: Statistical power analysis for the behavioral sciences. Erlbaum, Hillsdale, NJ, 1988.
- [20] Contardi, A., Imperatori, C., Penzo, I., Del Gatto, C., & Farina, B. (2016). The association among difficulty in emotion regulation, hostility, and empathy in a sample of young Italian adults. *Frontiers in psychology*, 7, 1068 .
- [21] Derogatis, L. R. (1994). Symptom Checklist-90-R: Administration, scoring & procedure manual for the revised version of the SCL-90. Minneapolis, MN: National Computer Systems.
- [22] Etkin, A., Prater, K. E., Hoeft, F., Menon, V., & Schatzberg, A. F. (2010). Failure of anterior cingulate activation and connectivity with the amygdala during implicit regulation of emotional processing in generalized anxiety disorder. *American Journal of Psychiatry*, 167(5), 545-554 .
- [23] Ezeokana, J. O. Obi-Nwosu, H., & Okoye, Ch. A. F. (2014). Influence of street life and gender on aggression and self-esteem in a sample of Nigerian children. *International review of management and business*. 3(2), 949-959.
- [24] García-León, A., Reyes, G. A., Vila, J., Pérez, N., Robles, H., & Ramos, M. M. (2002). The Aggression Questionnaire: A validation study in student samples. *The Spanish Journal of Psychology*, 5(1), 45-53 .
- [25] Gardner, F. L., & Moore, Z. E. Understanding clinical anger and violence the anger avoidance model. *Behavior Modification*. 2008; 32(6), 897-912.
- [26] Garofalo, C., Holden, C. J., Zeigler-Hill, V., & Velotti, P. (2016). Understanding the connection between self-esteem and aggression: The mediating role of emotion dysregulation. *Aggressive behavior*, 42(1), 3-15 .
- [27] Goeke-Morey, M. C., Taylor, L. K., Merrilees, C. E., Shirlow, P., & Cummings, E. M. (2014). Adolescents' relationship with God and internalizing adjustment over time: The moderating role of maternal religious coping. *Journal of Family Psychology*, 28(6), 749-758 .
- [28] Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, 26(1), 41-54 .
- [29] Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The Use of Partial Least Squares Path Modeling in International Marketing, *Advances in International Marketing*, 20, 277-320.
- [30] Jacobwitz, S., & Egan, V. (2006). The dark triad and normal personality traits. *Personality and Individual Differences*, 40, 331-339 .
- [31] Joormann, J., & Stanton, C. H. (2016). Examining emotion regulation in depression: A review and future directions. *Behaviour Research and Therapy*, 86, 35-49 .
- [32] Kartika, A. & Ritandiyono, (2007). The Relation between the emotional intelligence and aggressive behavior in adolescents. Undergraduate Program, Gunadarma University.
- [33] Kertz, S. J., Bigda-Peyton, J. S., Rosmarin, D. H., & Björgvinsson, T. (2012). The importance of stress across diagnostic presentations: Prevalence, severity and associated symptoms in a partial hospital setting. *Journal of Anxiety Disorders*, 26, 126-133 .
- [34] Leahy, R. L., Tirsch, D., & Napolitano, L. A. (2011). Emotion regulation in psychotherapy: A practitioner's guide. Guilford Press.
- [35] Lee, K., & Ashton, M. C. (2014). The dark triad, the big five, and the HEXACO model. *Personality and Individual Differences*, 67, 2-5. [https //](https://)

- [36] Liang, B., & West, J. (2011). Relational health, alexithymia, and psychological distress in college women: Testing a mediator model. *American Journal of Orthopsychiatry*, 81(2), 246-254 .
- [37] Liu, D. Y., & Thompson, R. J. (2017). Selection and implementation of emotion regulation strategies in major depressive disorder: An integrative review. *Clinical psychology review*, 57, 183-194 .
- [38] Long, K., Felton, J. W., Lilienfeld, S. O., & Lejuez, C. W. (2014). The role of emotion regulation in the relations between psychopathy factors and impulsive and premeditated aggression. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 5(4), 390-396 .
- [39] Lopes, P. N., Nezlek, J. B., Extremera, N., Hertel, J., Fernández-Berrocal, P., Schütz, A., & Salovey, P. (2011). Emotion regulation and the quality of social interaction: Does the ability to evaluate emotional situations and identify effective responses matter? *Journal of Personality*, 79(2), 429-467 .
- [40] Lovibond, S. H., & Lovibond, P. F. (1996). *Manual for the depression anxiety stress scales*. Psychology Foundation of Australia.
- [41] McLaughlin, K. A., Hatzenbuehler, M. L., Mennin, D. S., & Nolen-Hoeksema, S. (2011). Emotion dysregulation and adolescent psychopathology: A prospective study. *Behavior research and therapy*, 49(9), 544-554 .
- [42] McMurran, M., & Howard, R. C. (2009). *Personality, personality disorder, and violence*. New York: Wiley.
- [43] Mennin, D. S., & Fresco, D. M. (2013). What, me stress and ruminate about DSM-5 and RDOC? The importance of targeting negative self-referential processing. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 20(3), 258-267.
- [44] Mennin, D. S., Holaway, R. M., Fresco, D. M., Moore, M. T., & Heimberg, R. G. (2007). Delineating components of emotion and its dysregulation in anxiety and mood psychopathology. *Behavior therapy*, 38(3), 284-302 .
- [45] Mikulaskova, G. & Adamkovic, M. (2018). The relationship between self-esteem, aggression and poverty. *Človekaspoločnosť*, 21(1), 1-11.
- [46] Mitrofan, N., & Ciuluvică, C. (2012). Anger and hostility as indicators of emotion regulation and of the life satisfaction at the beginning and the ending period of the adolescence. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 33, 65-69 .
- [47] Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The dark triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Journal of Research in Personality*, 36(6), 556-63 .
- [48] Renna, M. E., Quintero, J. M., Fresco, D. M., & Mennin, D. S. (2017). Emotion regulation therapy: a mechanism-targeted treatment for disorders of distress. *Frontiers in Psychology*, 8, 98 .
- [49] Ringle, C. M., Wende, S., and Becker, J.-M. (2015). *Smart PLS 3*. Boenningstedt: Smart PLS GmbH, Available at: <http://www.smartpls.com>.
- [50] Robertson, T., Daffern, M., & Bucks, R. S. (2012). Emotion regulation and aggression. *Aggression and violent behavior*, 17(1), 72-82 .
- [51] Scott, J. P., DiLillo, D., Maldonado, R. C., & Watkins, L. E. (2015). Negative urgency and emotion regulation strategy use: Associations with displaced aggression. *Aggressive behavior*, 41(5), 502-512 .
- [52] Skripkauskaitė, S., Hawk, S. T., Branje, S. J. T., Koot, H. M., van Lier, P. A. C., & Meeus, W. (2015). Reactive and proactive aggression: Differential links with emotion regulation difficulties, maternal criticism in adolescence. *Aggressive Behavior*, 41(3), 214-226 .
- [53] Sörman, K., Nilsson, G., Howner, K., Tamm, S., Caman, S. (2016). Reliability and construct validity of the psychopathic personality inventory-revised in a Swedish non-criminal sample—A multimethod approach including psychophysiological correlates of empathy for pain. *PloS one*, 11(6), e0156570 .

- [54] Tenenhaus, M., Amato, S., & Esposito Vinzi, V. (2004). A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modeling. In Proceedings of the XLII SIS scientific meeting (Vol. 1, pp. 739-742).
- [55] Thompson, R. A., & Goodman, M. (2010). Development of emotion regulation: More than meets the eye. In A. Kring & D. Sloan (Eds.), *Emotion regulation and psychopathology* (pp. 38-58). New York: Guilford.
- [56] Tice, D. M., Bratslavsky, E., & Baumeister, R. F. (2001). Emotional distress regulation takes precedence over impulse control: If you feel bad, do it! *Journal of personality and social psychology*, 80(1), 53-67 .
- [57] Velotti, P., & Garofalo, C. (2015). Personality styles in a non-clinical sample: The role of emotion dysregulation and impulsivity. *Personality and Individual Differences*, 79, 44-49. <https://>
- [58] Velotti, P., Casselman, R. B., Garofalo, C., & McKenzie, M. D. (2015). Emotion dysregulation and aggression among young adults in the USA and Italy: A cross cultural comparison. Manuscript submitted for publication, Vol. 27, No. 3, pp 259-272 .
- [59] Venta, A., Hart, J., & Sharp, C. (2013). The relation between experiential avoidance, alexithymia and emotion regulation in inpatient adolescents. *Clinical child psychology and psychiatry*, 18(3), 398-410 .
- [60] Vine, V., & Aldao, A. (2014). Impaired emotional clarity and psychopathology: A transdiagnostic deficit with symptom-specific pathways through emotion regulation. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 33(4), 319-342 .
- [61] Visted, E. V., Vøllestad, J. J., Nielsen, M. M., & Schanche, E. E. (2018). Emotion Regulation in Current and Remitted Depression: A Systematic Review and Meta-Analysis. *Frontiers in psychology*, 9, 756 .
- [62] Wai M, Tiliopoulos N. (2012). The affective and cognitive empathic nature of the dark triad of personality. *Personality and Individual Differences*. 52(7):794-9.
- [63] Yoshikawa, H., Aber, J. L. Beardslee, W. (2012). The Effects of Poverty on the Mental, Emotional, and Behavioral Health of Children and Youth Implications for Prevention. *American Psychologist*. 67(4):272-84.